



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بررسی مدیریت و رهبری امام خمینی رهبر در بحران تابستان ۱۳۶۰

راست قامت همیشه تاریخ

هادی مازندرانی



پیش‌بینی کودتای رژیم شاه در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، بروز جنگ در خلیج فارس، جنگ عراق علیه ایران، جنگ اعراب و اسرائیل، جنگ شش روزه، کودتای نوژه؛ از جمله نمونه رفتارهای امام در زمینه پیش‌اقدامات دشمنان بوده است.

مصرف، عبادت و محاسبه امور مالی و ... - مانند نحوه رفتار دیگران، برنامه‌های تلویزیون، متن مورد مطالعه، طبیعت و محیط اطراف خود، دقت نظر و توجه داشتند، به سخنان دیگران با توجه کامل گوش می‌دادند و به نکات و اشکالات ظریف سخنان آنان پی می‌بردند. وظیفه الهی در مرحله اول و عقل و خرد در مرحله دوم، دو استاندارد و معیار عملکرد اساسی می‌باشد که تعیین‌کننده جهت رفتارهای ایشان بود.^۱

اصل «مراقبه» در شاکله مدیریت بحران تابستان ۱۳۶۰ توسط امام، نقش بسیار معتنا بهی داشت. امام در برابر بحران‌هایی نظیر بنی صدر و ترورهای کور آن زمان، بدون شتابزدگی و با دوراندیشی و تأمل برخورد نمودند و دقت نظر و توجه خاصی در چگونگی واکنش به این جریان‌ها داشتند که هر کدام از آن‌ها را در ادامه مورد بررسی و در قالب سایر مؤلفه‌ها بیان خواهیم نمود.

۲. درک فوق حسی: درک فوق حسی از اوضاع و شرایط زمان و تجزیه و تحلیل وضعیت حاضر، از اصول بسیار مهمی است که در مدیریت یک بحران بسیار کارساز و مؤثر است. این مؤلفه در مدیریت امام کاملاً مشهود بوده و نقشی بسیار مؤثر در کنترل اوضاع بحرانی تابستان ۱۳۶۰ داشته است. امام دارای شم مدیریتی و فردی قوی در ارتباط با دو زیر شاخص «پیش‌بینی آینده» و «شناخت صحیح افراد» به شرح زیر می‌باشد:

۱-۲- امام در ارتباط با پیش‌بینی اقدامات نظامی و فرهنگی دشمن و نیز پیش‌بینی حوادث آینده، نمونه رفتارهای متعددی داشته‌اند. پیش‌بینی کودتای رژیم شاه در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷، بروز جنگ در خلیج فارس، جنگ عراق علیه ایران، جنگ اعراب و اسرائیل، جنگ شش روزه، کودتای نوژه؛ از جمله نمونه رفتارهای ایشان در زمینه پیش‌اقدامات دشمنان بوده است.

۲-۲- پیش‌بینی پیروزی قطعی انقلاب از اولین سال شروع نهضت و در شرایط سخت مبارزه و صدور دستور نگارش پیش‌نویس قانون اساسی قبل از پیروزی انقلاب، شهادت یاران و همراهان انقلاب توسط دشمنان، تخلف و نقض عهد بنی صدر، پیروزی رزمندگان در عملیات‌ها؛ از جمله نمونه رفتارهای حضرت امام علیه السلام در ارتباط با پیش‌بینی حوادث آینده است.

۳-۲- شناخت صحیح یاسر عرفات و ترک اولین جلسه خود با او به صورت ناتمام، شناخت صحیح صادق قطب‌زاده، شناخت سیدمهدی هاشمی - معدوم - در اولین جلسه با وی و هشدار به مسئولان در مورد مراقبت از او، شناخت صحیح بنی صدر و عدم رأی به او، اتمام حجت به بنی صدر و هشدار به وی هنگام تنفیذ حکم ریاست جمهوری وی، شناخت مصدق و ملی‌گرایان و سخنرانی علیه آنان، شناخت صحیح اعضای نهضت آزادی و هشدار به مسئولان در مورد آنان، شناخت صحیح برخی علما و جلوگیری از کمک به آن‌ها، عدم تأیید حزب خلق مسلمان، انجمن حججیه و سازمان مجاهدین خلق و گروهک‌های کمونیستی و همچنین آگاهی از نیات و خطورات قلبی آن‌ها؛ از جمله نمونه‌های رفتاری امام در زمینه شناخت صحیح افراد است.

بی‌گمان تابستان ۱۳۶۰ داغ‌ترین و بحرانی‌ترین تابستان تاریخ جمهوری اسلامی به شمار می‌آید؛ تابستانی که می‌توان حتی به عنوان یکی از داغ‌ترین تابستان‌های تاریخ ایران به شمار آورد. نظام نوپایی که استکبار جهانی را به چالشی سخت گرفتار کرده بود، اکنون در چالش تحمیلی و ناجوانمردانه استکبار جهانی در صدد برون‌رفت از آن بود. انتقام نظام سلطه و سرمایه از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در قالب ترورهای کور در داخل ایران و ایجاد جنگی خونین در مرزهای غربی کشور عملی شده بود. انتقام کوری که بیشتر به یک حرکت مذبحانه و بی‌اثر شباهت داشت؛ چرا که این اعمال ناجوانمردانه آن‌ها، به اتحاد و یکدلی ملت ایران منتج گشت و پیوند ملت با انقلاب را بیش از پیش تقویت نمود. اما این همه ماجرا نبود. درست است که ترورهای کور و سازمان‌یافته دشمنان انقلاب و ایجاد بحران‌های گوناگون برای نظام جمهوری اسلامی، موجب همدلی بیشتر ملت ایران گردید و این همدلی بسان سدی مستحکم علیه دشمنان شده بود، اما بی‌گمان این همدلی و اتحاد، غیر از عنایت الهی ممکن نبود، مگر با رهبری و مدیریت بی‌نظیر رهبر فرزانه‌ای که در تدبیر امور و مهار بحران، نقشی بی‌بدیل و شخصیت جاودانه‌ای داشت. امام روح‌الله خمینی علیه السلام نقش درجه اول در دفع بحران تابستان داغ ۱۳۶۰ داشت و اگر تدابیر و مدیریت این رهبر مدبر نبود، چه بسا تابستان داغ ۶۰ به آتشی داغ‌تر تبدیل شده و بر نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران لطامت جبران‌ناپذیری را وارد می‌نمود.

مؤلفه‌های مدیریتی امام در بحران تابستان ۱۳۶۰

آنچه را می‌توان در چگونگی مدیریت بحران تابستان ۱۳۶۰ توسط امام خمینی علیه السلام مورد کنکاش قرار داد، رعایت و اعمال مؤلفه‌های مدیریتی ایشان بود که در مهار این بحران نقش معتنا بهی داشته است. این مؤلفه‌ها را این گونه می‌توان برشمرد:

۱. **مراقبه:** مراقبه یکی از اصول مهم مدیریتی است که امام همواره آن را مد نظر قرار می‌داد. این اصل همواره در تمام دوران زندگی امام و به ویژه در مدیریت نهضت اسلامی و پس از آن استقرار نظام جمهوری اسلامی، مورد نظر قرار گرفته می‌شد. این اصل، براساس تحلیل رفتاری امام در ارتباط با دو زیر شاخص «تأمل قبل از اقدام» و «تأمل بعد از اقدام» به شرح زیر است:

۱-۱- ایشان قبل از تصمیم‌گیری، موضع‌گیری، بیان سخن و اقدام عملی، تأمل کرده و بدون شتابزدگی - که لازمه خردورزی و دوراندیشی می‌باشد - عمل می‌کردند. به عنوان مثال، قبل از انتصاب افراد، تأیید گروه‌های سیاسی، نحوه مقابله با گروه‌های محارب، صدور فرمان شکستن حکومت نظامی و ... تأمل می‌نمودند و در موارد متعددی به طور صریح می‌فرمودند: «من باید قبل از تصمیم‌گیری فکر کنم».

۲-۱- امام، هنگام انجام عمل، با دقت نظر و توجه، رفتار خود را با استانداردهای شخصی از پیش تعیین شده منطبق می‌کردند. ایشان در همه رفتارهای خود - دیدن، شنیدن، گفتن، حرکت، نوشتن،

از جمله مولف‌های مدیریتی امام در مهار بحران تابستان ۶۰، قاطعیت در عمل و اشراف بر امور بود. این دو موضوع موجب می‌شد تا ایشان با تسلط بر اوضاع، به نحو تحسین‌برانگیزی به مدیریت کشور و نظام همت گمارد.



بنابراین با توجه به تحلیل مجموعه رفتارهای امام خمینی علیه السلام در ارتباط با شاخص درک فوق حسی، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که ایشان در این زمینه که شامل پیش‌بینی اقدامات نظامی و فرهنگی دشمن، پیش‌بینی حوادث آینده و همچنین شناخت صحیح افراد می‌باشد، از توانمندی بالایی برخوردار بودند، به گونه‌ای که اقدامات نظامی دشمن را در زمینه‌های مختلف و مقاطع زمانی متعدد در سطح ملی و بین‌المللی پیش‌بینی کرده و پتانسیل لازم را در پیروان خود جهت مقابله با توطئه‌های دشمن فراهم می‌نمودند.^۱ می‌توان نتیجه گرفت که شاخص درک فوق حسی امام، در مدیریت مقتدرانه ایشان سهم بسزایی داشته و موجب مهار بحران‌های جدی و کاری شده است.

۳. آرامش خاطر: آرامش خاطر، عدم ترس و استرس و تسلط بر خود؛ از جمله مسائل بسیار مهم است که یک مدیر موفق، جهت مدیریت بحران باید مد نظر قرار دهد. اگر مدیر، خود دارای استرس و تشویش باشد، چگونه می‌تواند بحران را کنترل کند؟! این مؤلفه در شخصیت امام مشاهده گردید و با همین ویژگی توانست نظام جمهوری اسلامی را از گردنه پرخطر تابستان ۱۳۶۰ به سلامت عبور دهد. این شاخصه مدیریت امام را می‌توان در زیرشاخص‌های ذیل مورد تأکید قرار داد:

۱-۳- ایشان در موقعیت‌های خطرآفرینی که جانشان در معرض خطر جدی قرار داشت، آرامش کامل خود را حفظ کرده و هیچ‌گونه علائم و آثار ترس و نگرانی در ایشان مشاهده نمی‌شد. به عنوان مثال باید به جریان کودتای نوژه اشاره کرد. شبی که قرار بود این کودتا اجرا شود، نزدیکان امام، توطئه آمریکا را به استحضار ایشان رساندند. امام خیلی آرام و توأم با خونسردی تبسم کرده و فرمودند: «توی این مردم نمی‌شود کودتا کرد.» وقتی از امام خواسته شد که به منظور احتیاط، اقامتگاه خود را ترک کنند، امام در پاسخ فرمودند: «من از این جا تکان نمی‌خورم و همین جا هستم، هر کدام از افراد می‌خواهند بروند.»^۲

۲-۳- امام در مواجهه با حوادث ناگوار پیش‌بینی نشده، به طور کامل آرامش خود را حفظ می‌کردند، به گونه‌ای که هیچ‌گونه اثری از ترس و وحشت در چهره ایشان ایجاد نمی‌شد و ثانیاً، در شرایط بحران، مانند تسخیر خرمشهر توسط دشمن، فاجعه هفتم تیر و شهادت ۷۲ تن از یاران خود، تهدید کشور توسط آمریکا و حمله عراق به کشور، در مسئولان کشور نیز آرامش و اطمینان خاطر ایجاد می‌کردند، به گونه‌ای که مسئولان پس از دیدار با ایشان، آرامش یافته و از روحیه‌ای بالا و مطمئن برخوردار می‌شدند. ذکر چند خاطره از آرامش و عدم تشویش امام در برابر بحران‌های تابستان ۶۰ خالی از لطف نیست:

۱-۲-۳- یکی از پزشکان معالج امام در مورد حادثه ترور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید: «وقتی در سال ۶۰، قضیه ترور آیت‌الله خامنه‌ای پیش آمد، من در تهران بودم. همه درمانده بودند که این خبر را چگونه به امام گزارش بدهند. آقای (حسن) صانعی از من به عنوان طبیب سؤال کرد اگر من بخواهم این خبر را به امام

انتقام نظام سلطه و سرمایه از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در قالب ترورهای کور در داخل ایران و ایجاد جنگی خونین در مرزهای غربی کشور عملی شده بود.

امام قبل از تصمیم‌گیری، موضع‌گیری، بیان سخن و اقدام عملی، تامل کرده و بدون شتابزدگی - که لازمه خردورزی و دوراندیشی می‌باشد - عمل می‌کردند.

شناخت صحیح یاسر عرفات و ترک اولین جلسه خود با او به صورت ناتمام، شناخت صحیح بنی‌صدر و عدم رای به او، اتمام حجت به بنی‌صدر و هشدار به وی هنگام تنفیذ حکم ریاست جمهوری وی، از جمله نمونه‌های رفتاری امام در زمینه شناخت صحیح افراد است.



می‌توان در جریان اشغال خرمشهر توسط بعثی‌ها مورد تأکید قرار داد که بی‌گمان اگر نبود آرامش و عدم ترس امام، رزمندگان نیز روحیه خود را باخته و باقی سرزمین ایران را نیز تقدیم صدامیان می‌کردند. داماد امام در مورد چگونگی مواجهه ایشان با جریان فوق می‌گوید: «شسی که خرمشهر مورد هجوم قوای بعثی واقع شده بود، برای حقیر و دیگر عزیزان که در جریان لحظه به لحظه حملات بودند، فراموش شدنی نیست. تلفن کمتر قطع می‌شد و محله به محله که به تصرف خون‌اشامان بعثی درمی‌آمد، با کلماتی مانند پتک بر سر ما فرود می‌آمد. دوستان در دفتر به اندازه‌ای پریشان بودند که فقط به تلفن جواب می‌دادند ... بالاخره زمان که با سنگینی می‌گذشت، به جایی رسید که خبر از دست رفتن خرمشهر را به مثابه آخرین پتک بر سر همه ما فرود آورد. دوستان، این جانب را مأمور رساندن این خبر شوم به امام کردند. بغض گلویم را می‌فشرد و بیم آن را داشتم که با آن همه ناراحتی، نتوانم کلمات را درست ادا کنم. بالاخره به ناچار داخل اندرون رفتم. به محض رسیدن به اتاق، سرها با ناراحتی برای پرسش به طرفم برگشت: «چه خبر شده است؟» خدا می‌داند کمتر زمانی به آن حالت دچار شده بودم. با سختی پاسخ دادم: «هیچ!» امام بزرگوار که متوجه وضع آشفته خحیر شده بودند، سؤال دیگری نفرمودند. در نزدیکی ایشان نشستم و به تلویزیون نگاه می‌کردم. پس از سه یا چهار دقیقه مرا مورد خطاب قرار داده، پرسیدند: «تازه چی؟» با نهایت ناراحتی همراه با بغض جواب دادم «خرمشهر را گرفتند!» ایشان یک‌مرتبه با لحنی عتاب‌آلود فرمودند: «جنگ است. یک وقت ما می‌بریم، یک وقت آن‌ها.» نمی‌دانم این چند جمله کوتاه چگونه در من اثر گذاشت. به حقیقت مانند ضرب‌المثل معروف «سطل آبی سرد بر سرم ریختند» چنان از ناراحتی بیرون آمدم، گویی اصلاً جنگی واقع نشده بود.^۶

با توجه به تحلیل مجموعه رفتارهای امام در ارتباط با شاخص «آرامش»، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که ایشان در برابر تمام عوامل ایجاد ترس و نگرانی از جمله مرگ، دشمنان قدرتمند و حوادث ناگوار پیش‌بینی نشده، آرامش خود را در سطحی کاملاً مطلوب حفظ می‌کردند، به گونه‌ای که هیچ‌گونه نشانه‌ای از ترس و اضطراب در چهره و نحوه بیان و نگاه ایشان ظاهر نمی‌شد. از سوی دیگر، حضرت امام در برابر عوامل اعجاب و هیجان نیز آرامش کامل خود را در سطحی کاملاً مطلوب حفظ می‌نمودند و از لحاظ روحی - روانی، همواره آرام، مطمئن و به دور از اضطراب بودند.^۷

۴. قاطعیت در عمل، اشراف بر امور

از جمله مؤلفه‌های مدیریتی امام در مهار بحران تابستان ۶۰، قاطعیت در عمل و اشراف بر امور بود. این دو موضوع موجب می‌شد تا ایشان با تسلط بر اوضاع، به نحو تحسین‌برانگیزی به مدیریت کشور و نظام همت گمارد. در هنگام پیروزی انقلاب و قصد ایشان جهت سفر از پاریس به تهران، همگان خطر انفجار یا سقوط هواپیما را به امام گوشزد کردند، اما ایشان با قاطعیت

بدهم، شما چه تدبیری را پیشنهاد می‌کنید؟ فکر کردم و گفتم: اگر یک قرص آرام‌بخش در داخل چای ایشان حل کنیم و بعد از نیم ساعت قضیه را مطرح کنیم، خوب است. آقای صانعی در مورد این کار استخاره کرد و گفت: بد است. بعد خودشان این قضیه را مضطربانه خدمت امام نقل کرد. بعد به من گفت: فلانی! قبل از این که مطلب را به امام بگویم، امام به من فرمودند: در مورد آقای خامنه‌ای مسئله‌ای پیش آمده است؟! بعد که تصدیق کردم، فرمودند: به دکتر معالج ایشان بگویید هر نیم ساعت تمام علائم حیاتی ایشان اعم از حال عمومی، فشار خون، تعداد نبض، تنفس و ... را به من گزارش کند. امام آرامش خاص خودشان را داشتند.^۸ ۲-۳-۲ یکی از مسئولان سابق در مورد فاجعه هفتم تیر و چگونگی برخورد امام با این واقعه، می‌گوید: یک روز پس از فاجعه هفتم تیر، به اتفاق شهید رجایی و آقای موسوی اردبیلی و آقای هاشمی رفسنجانی، خدمت امام می‌رفتیم. در راه صحبت بر سر این بود که چگونه این واقعه را توضیح بدهیم که برای امام با ناراحتی قلبی‌ای که داشتند، شرح این قضیه مشکلی پیش نیآورد. قرار شد آقای هاشمی از طرف جمع با امام صحبت کنند. وقتی به محضر امام وارد شدیم، قدری نشستیم و افراد جلسه سکوت معناداری کردند. امام هم متوجه بودند. اما به جای این که آقای هاشمی صحبت کند، امام صحبت فرمودند. بعد واقعه‌ای را برای ما بیان فرمودند که مدت‌ها قبل در یک منطقه‌ای، بیماری وبا شایع شد و مردم زیادی از این بیماری جان دادند، به نحوی که جنازه‌های زیادی پهلوی هم چیده شده بود که مردم از دیدن آن جنازه‌ها خیلی وحشت می‌کردند تا جایی که مردم از ترس شیوع وبا، داشتند جان می‌دادند. تا این که یک روحانی قدرتمند، مردم را خطاب کرد و گفت: مردم! چه شده؟ چرا مضطرب هستید؟ تقریب اجمال شده است و افراد نزدیک وبا هم جان می‌دهند.

نترسید و الا از ترس این وبا، همه می‌میرند! امام پس از توضیح این حکایت، فرمودند: بله! در قضیه دیشب هم تقریب اجمال شده و مرگ‌های این شهدا با هم اتفاق افتاده است و نگرانی و وحشتی ندارد. امام انچنان صلابت روحی داشتند و قدرتمندانه با این قضیه برخورد کردند که همه افرادی که خدمت ایشان بودند، با شجاعت بی‌مانندی با قضیه برخورد کردند. بعد فرمودند: آقای اردبیلی به جای مرحوم شهید بهشتی کارها را تدارک کنند و من هم حکم می‌دهم و به آقای هاشمی فرمودند، به هر شکلی هست، باید مجلس را باز نگه دارید که روز بعد، نمایندگان مجروح را با سرم و تخت بیمارستان به مجلس آوردند تا مجلس به نصاب رسمی خودش برسد.^۹

۳-۳ امام، علاوه بر این که در مواجهه با عوامل ترس و نگرانی، مرگ، دشمن و حوادث ناگوار؛ آرامش و تعادل روحی و روانی خود را حفظ می‌نمودند، در برابر عوامل اعجاب و هیجان - مانند موفقیت و پیروزی بر دشمن و شکست و ناکامی دشمن - نیز آرامش خود را حفظ کرده و دچار هیجان نشده و از حالت عادی و معتدل روحی - روانی خود خارج نمی‌شدند. عینی‌ترین مثال را

امام، علاوه بر این‌که در مواجهه با عوامل ترس و نگرانی، آرامش و تعادل روحی و روانی خود را حفظ می‌نمودند، در برابر عوامل اعجاب و هیجان نیز آرامش خود را حفظ کرده و از حالت عادی و معتدل روحی - روانی خود خارج نمی‌شدند.



آیت الله موسوی اردبیلی



تمام، همه گمانه‌زنی‌ها را مردود دانسته و با «پرواز انقلاب» به ایران بازگشتند. این قاطعیت در عمل، بعدها در جریان رهبری نظام نیز دیده شد.

از این گذشته، اشراف شگرف ایشان بر امور هم، موجب کنترل بحران تابستان ۶۰ شده بود. اطلاع ایشان از نقشه فرار بنی‌صدر از ایران بر شگفتی اطرافیان و مسئولان می‌افزود. این‌که امام از چه کانال اطلاعاتی از این خبر آگاه بود، بر اشراف کامل ایشان بر امور صحنه می‌گذاشت. یکی از اعضای دفتر امام در این مورد می‌گوید: «بسیاری از حوادث هنوز به مسئولان نرسیده، به امام می‌رسید. در جریان بنی‌صدر و دانشگاه، لحظه به لحظه خبر درگیری شعارهای مخالف و موافق، عین شعارهای مخالف و موافق، عین شعارها روی تلکس می‌آمد و به امام داده می‌شد. بسیاری مواقع خبرها از طرف دفتر به مسئولان داده می‌شد. در جریان فرار بنی‌صدر آقای [تیمسار] فکوری آمدند خدمت امام. از ایشان سؤال شد هواپیمایی که دیشب رفت چه بود؟ و کجاست؟ گفت: طبق اطلاع دقیق، الان هواپیما روی آب‌های مدیترانه حرکت می‌کند و معلوم نیست کجا فرود می‌آید. به ایشان گفتم یک ساعت قبل هواپیما در پاریس نشست و بنی‌صدر و رجوی هم در آن بوده‌اند. از این نوع حوادث خیلی زیاد است که آن‌ها می‌خواسته‌اند خبری به امام بدهند، ولی امام کامل‌تر از آن‌ها به آن‌ها اطلاع داده است.»^۸

در بحران تابستان سال ۱۳۶۰ نیز اگر قاطعیت در عمل، نظارت و هدایت امور و مدیریت تحسین‌برانگیز امام نبود، چه بسا امروزه خبری از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی هم نبود.

راست قامت همیشه تاریخ

تابستان داغ ۱۳۶۰، غیر از وقایع تأسّف‌برانگیز ترورهای کور منافقین و از دست رفتن بهترین سرمایه‌های نظام و انقلاب که با مدیریت امام از «بحران» به یک «فرصت» جهت انسجام بیشتر ملت و نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد، دو معضل بزرگ دیگر را نیز به همراه داشت. یکی بحران «بنی‌صدر» و دیگری بحران «جنگ» که این دو - همان‌گونه که پیشتر نیز در این مورد سخن رانده شد - با سرانگشت تدبیر امام، مدیریت شد. رویه برخورد امام با موضوع بنی‌صدر را می‌توان در موارد زیر جست‌وجو کرد. این موارد خود گواهی روشن بر مدیریت بی‌مانند امام در بحران به وجود آمده در سال ۱۳۶۰ است:

۱. با وجود داشتن نظرات شخصی نسبت به بنی‌صدر در اوایل روی کار آمدن، چون شاهد اقبال مردمی نسبت به وی بودند، سکوت کردند.
۲. با وجود اختلاف سلیقه با بنی‌صدر و اعتمادی که به یاران نزدیک خویش - همچون سران حزب جمهوری اسلامی - داشتند، همواره در اختلافات فی‌مابین بنی‌صدر و مخالفانش، سعی می‌کردند تا ضمن رعایت عدالت، از جایگاه رهبری انقلاب و نظام به عنوان وزنه‌ای تعادل‌بخش برای حل مشکلات بهره گیرند.
۳. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که کیان انقلاب و

وظیفه الهی در مرحله اول و عقل و خرد در مرحله دوم، دو استاندارد و معیار عملکرد اساسی می‌باشد که تعیین‌کننده جهت رفتارهای امام بود.

درک فوق‌حسی از اوضاع و شرایط زمان و تجزیه و تحلیل وضعیت حاضر، از اصول بسیار مهمی است که در مدیریت امام کاملاً مشهود بود.

امام در شرایط بحران، مانند تسخیر خرمشهر توسط دشمن، فاجعه هفتم تیر و شهادت ۷۲ تن از یاران خود، تهدید کشور توسط آمریکا و حمله عراق به کشور، در مسئولان کشور نیز آرامش و اطمینان خاطر ایجاد می‌کردند.

با وجود این که بنی صدر می‌کوشید تا از جایگاه ریاست جمهوری در جهت مقاصد خویش سوء استفاده نماید، مادامی که مصلحت نظام اقتضا می‌کرد، امام با تضعیف نهاد ریاست جمهوری از سوی هر کس و نهادی مخالفت می‌ورزیدند.

از وی می‌خواهند که در کشور بماند و به عنوان یک شهروند به فعالیت‌های علمی بپردازد^۴ که متأسفانه این نصیحت مشفقانه و پدرانه امام، از جانب بنی صدر نادیده گرفته شد و وی کاملاً به دامان ضد انقلاب پیوست.^{۱۰}

نوع برخورد و مدیریت امام با بحرانی به نام «جنگ» که بر داغی تابستان ۱۳۶۰ نیز می‌افزود، در نوع خود جالب توجه بود. ایشان در اولین واکنش‌های خود نسبت به تجاوز عراق به ایران، از یک طرف ملت ایران را به خون‌سردی دعوت کرده و از طرف دیگر صدام را به دزدی که سنگی را انداخته و فرار کرده تشبیه می‌کنند: «ملت ایران نباید خیال بکنند که جنگی شروع شده است و حالا فرض کنید که دست و پای خودمان را گم کنیم. نه این حرف‌ها نیست. یک چیزی آوردند و یک بمبی اینجا انداختند و فرار کردند، رفتند. الان هم دولت ایران جواب آن‌ها را مشغولند که جواب آن‌ها را بدهند و می‌دهند جواب آن‌ها را ... این یک دزدی آمده است یک سنگی انداخته و فرار کرده، رفته است سر جایش. دیگر قدرت این که تکرار بکنند، ان شاء الله ندارد.»^{۱۱} ایشان مردم ایران را به آرامش دعوت کرده و از آن‌ها می‌خواهند تا شایعاتی را که توسط دشمنان و عمال داخلی آن‌ها در مورد شروع جنگ و حمله به ایران پخش می‌شود، باور نکنند؛ یعنی این گونه برمی‌آید که امام خمینی به عنوان رهبر جامعه، خود را مسئول می‌دیدند تا با کوچک شمردن حادثه، به مردم ایران قوت قلب داده و آرامش و امنیت را در جامعه برقرار سازند.^{۱۲}

در هر حال باید گفت امام با اعمال مؤلفه‌های مهم مدیریتی خود از قبیل: مراقبه، درک فوق حسی، آرامش خاطر و قاطعیت در عمل و اشراف بر امور به خوبی توانست بحران به وجود آمده در تابستان داغ ۶۰ را مهار نماید و نظام نوپای جمهوری اسلامی را از گردنه این خطر مهلک برهاند؛ از این رو باید ایشان را «راست قامت همیشه تاریخ» دانست.

پی‌نوشت‌ها:

۱. رضایی زاده، محمود، بررسی تطبیقی خودمدیریتی امام خمینی ره، تهران، پژوهشکده امام خمینی ره و انقلاب اسلامی، صص ۱۷۵-۱۷۴.
۲. همان، صص ۱۹۵-۱۹۴.
۳. رجایی، غلامعلی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، جلد دوم، صص ۲۶۸.
۴. همان، صص ۲۷۱-۲۷۰.
۵. همان، صص ۲۷۴-۲۷۳.
۶. همان، صص ۲۸۹-۲۸۸.
۷. رضایی زاده، پیشین، صص ۱۸۹.
۸. رجایی، غلامعلی، پیشین، جلد چهارم، صص ۲۷۵-۲۷۴.
۹. صحیفه امام، ج ۱۴، صص ۴۹۳.
۱۰. درویشی سه‌تالانی، فرهاد؛ سیره عملی امام خمینی ره در اداره امور کشور، صص ۱۹۰-۱۸۹.
۱۱. صحیفه امام، ج ۱۳، صص ۲۲۳.
۱۲. درویشی سه‌تالانی، فرهاد؛ همان، صص ۳۳۳.

نظام را تهدید می‌کرد، سفارش و توصیه ایشان، پرهیز طرفین از گسترش تعارضات داخلی بود و حتی برای تقویت بنی صدر در پرداختن به مسئله جنگ، فرماندهی کل قوا را که از اختیارات خود بود، به وی تفویض می‌کنند.

۴. حفظ حرمت و جایگاه نهادهای سیاسی برای امام یک اصل بود و لذا با وجود این که بنی صدر می‌کوشید تا از جایگاه ریاست جمهوری در جهت مقاصد خویش سوء استفاده نماید، مادامی که مصلحت نظام اقتضا می‌کرد، امام با تضعیف نهاد ریاست جمهوری از سوی هر کس و نهادی مخالفت می‌ورزیدند.

۵. احترام به قانون اساسی و قوانین عادی و توصیه دیگران به رعایت این نکته، یکی دیگر از مشخصه‌های سیره سیاسی امام در

امام بعد از مخفی شدن بنی صدر و قبل از فرارش به فرانسه، طی پیام رادیو - تلویزیونی از وی می‌خواهند که در کشور بماند و به عنوان یک شهروند به فعالیت‌های علمی بپردازد.

امام خمینی به عنوان رهبر جامعه، خود را مسئول می‌دیدند تا با کوچک شمردن حادثه حمله عراق به ایران، به مردم قوت قلب داده و آرامش و امنیت را در جامعه برقرار سازند.

در بحران تابستان سال ۱۳۶۰ نیز اگر قاطعیت در عمل، نظارت و هدایت امور و مدیریت تحسین‌برانگیز امام نبود، چه بسا امروزه خبری از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی هم نبود.

تابستان داغ ۱۳۶۰، غیر از وقایع تاسف‌برانگیز ترورهای کور منافقین، دو معضل بزرگ دیگر را نیز به همراه داشت. یکی بحران «بنی‌صدر» و دیگری بحران «جنگ» که این دو با سرانگشت تدبیر امام، مدیریت شد.

برخورد با بنی صدر بود. چه آن‌گاه که بنی صدر برای عوام‌فریبی، فرزند ایشان مرحوم سیداحمد را برای تصدی پست نخست‌وزیری پیشنهاد می‌کند و چه زمانی که طرفین تعارضات داخلی (بنی صدر و نیروهای خط امام) خواستار دخالت ایشان در حل اختلافات خویش می‌شوند، ایشان با صراحت، همگان را به طاعت از قانون فراخوانده و خود نیز فراتر از قانون عمل نمی‌کنند، مگر آن‌جا که مصلحت نظام ایجاب می‌نمود.

۶. برخورد انسانی امام با بنی صدر حتی آن زمان که برای وی و همگان مسجل شده بود که بنی صدر به جبهه ضد انقلاب پیوسته است، نیز بسیار قابل توجه است. امام بعد از مخفی شدن بنی صدر و قبل از فرارش به فرانسه، طی پیام رادیو - تلویزیونی